




The University of Tehran Press

Benefit Sharing: A New Approach in Utilizing Transboundary Rivers

Farhad Derhami¹  | Mohammadhossein Ramezani Qavamabadi² 

1. Corresponding Author; PhD Student in International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University of Tehran, Iran. Email: farhad.derhami@gmail.com
2. Associate Prof., Department of Public and International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University of Tehran, Iran. Email: ramazanighavam@yahoo.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	<p>From the past to the present, use of common water resources has caused conflicts between states, therefore international law has tried to prevent such conflicts. However, with scarcity of available water resources, international water conflicts have increased in recent decades; this can be considered as proof of inability of approaches adopted by states, which are based on quantitative division of water, in facing and solving such conflicts. The current research, using a descriptive-analytical method, indicates that transition from focusing on volumetric allocation of water between states sharing river to establishment of cooperation arrangements between them in order to use river in the most optimal way available and the fair sharing of benefits from this cooperation can be considered a more favourable option for using these valuable water resources. In fact, application of benefit sharing arrangements in the use of transboundary rivers, which is also supported by the fundamental principles of international water law, through transformation of win-loss result due to water sharing into a win-win result due to cooperation in the optimal use of common water resources, increases interests of states and not only prevents water conflicts, but is able to develop and strengthen international cooperation.</p>
Pages: 1961-1987	
Received: 2022/09/18	
Received in revised form: 2022/11/07	
Accepted: 2023/01/30	
Published online: 2023/12/22	
Keywords: <i>international water law, benefit sharing, equitable and reasonable use, transboundary rivers</i>	
How To Cite	Derhami, Farhad; Ramezani Qavamabadi, Mohammadhossein (2023). Benefit Sharing: A New Approach in Utilizing Transboundary Rivers. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (4), 1961-1987. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.348650.3182
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.348650.3182
Publisher	University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۳، شماره: ۴

زمستان ۱۴۰۲

Homepage: <http://jpls.ut.ac.ir>

تشریک منافع: رویکردی نوین جهت بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی

فرهاد درهمی^۱ | محمدحسین رضائی قوام‌آبادی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

رایانامه: farhad.derhami@gmail.com۲. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: ramazanihavam@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۹۶۱-۱۹۸۷</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: <i>استفاده منصفانه و معقول، تشریک منافع، حقوق بین‌الملل آب، رودخانه‌های فرامرزی.</i></p>	<p>از گذشته تا امروز استفاده از منابع آب مشترک عامل اختلاف میان جوامع و دولت‌ها بوده، از این رو حقوق بین‌الملل همواره سعی داشته است که از ایجاد چنین اختلافاتی جلوگیری کند. با این حال، با کمیاب شدن منابع در دسترس آب، تعارضات بین‌المللی آبی در دهه‌های اخیر افزایش یافته است؛ امری که می‌تواند گواه بر ناتوانی رویکردهای اتخاذشده توسط دولت‌ها، که مبتنی بر تقسیم کمی آب هستند، در مواجهه و حل چنین تعارضاتی قلمداد شود. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، حاکی از آن است که گذار از تقسیم حجمی آب میان کشورهای ساحلی رودخانه به ایجاد ترتیبات همکاری میان کشورهای مزبور به‌منظور بهره‌برداری از رودخانه به بهینه‌ترین صورت ممکن، و تشریک منصفانه منافع حاصل از این همکاری می‌تواند گزینه مطلوب‌تری جهت استفاده از این منابع آبی ارزشمند قلمداد شود. در واقع اعمال ترتیبات تشریک منافع در بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی، که مورد حمایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل آب نیز است، از طریق تبدیل نتیجه برد-باخت ناشی از تقسیم آب به نتیجه برد-برد ناشی از همکاری در استفاده بهینه از منبع آبی مشترک، نه تنها منافع دولت‌ها را افزایش می‌دهد و از بروز تعارضات آبی جلوگیری می‌کند، بلکه قادر است موجب توسعه و تحکیم همکاری‌های بین‌المللی نیز شود.</p>
استناد	درهمی، فرهاد؛ رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۴۰۲). تشریک منافع: رویکردی نوین جهت بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۴)، ۱۹۶۱-۱۹۸۷.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.348650.3182
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.348650.3182
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

اگرچه تنش‌های ژئوپلیتیک بر سر منابع طبیعی، اغلب معطوف به منابع نفتی است، اما امروزه بهره‌برداری از منابع آبی بین‌المللی^۱ به‌عنوان مسئله‌ای چالش‌انگیز در روابط میان دولت‌ها مطرح است. درحالی‌که جمعیت جهان طی صد سال گذشته سه برابر شده، مصرف آب بیش از شش برابر شده است (Gourbesville, 2008: 284). تغییرات اقلیمی نیز به افزایش مصرف منابع آبی افزوده شده و موجب شده که حداقل ۴۷ کشور با تنش آبی رو به بالا مواجه شوند (نادری و سادات‌میدانی، ۱۳۹۹: ۱۰۷۴).

در حال حاضر، بیش از ۲۶۰ منبع آبی بین‌الملل شامل رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و سفره‌های زیرزمینی وجود دارد که بیش از نیمی از سطح زمین را پوشش می‌دهند و ۴۰ درصد از جمعیت جهان تحت تأثیر این آب‌های فرامرزی قرار دارند. این آب‌های فرامرزی اصولاً بستری برای همکاری یا درگیری و مناقشه در سطح بین‌دولتی و درون‌دولتی‌اند (میان‌آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۵۵). در این میان، رودخانه‌های فرامرزی^۲ از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. امروزه، هم در مناطق کمتر توسعه‌یافته و هم در مناطق توسعه‌یافته اختلاف‌های آبی قابل مشاهده‌اند و نبود سازوکارهای کارآمد جهت بهره‌برداری منصفانه از رودخانه‌ها در اغلب موارد تهدیدی علیه امنیت آبی و توسعه پایدار دولت‌های ساحلی^۳ رودخانه‌ها قلمداد می‌شود. از آنجا که استفاده هریک از دولت‌های ساحلی از آب رودخانه‌های فرامرزی بر کمیت و یا کیفیت آب در دسترس برای سایر کشورهای ساحلی تأثیر می‌گذارد، بهره‌برداری از چنین رودخانه‌هایی همواره محل اختلاف بوده است.

حقوق بین‌الملل آب^۴ از ابتدای پیدایش در پی رفع چنین اختلافاتی بوده و در این زمینه اصل استفاده منصفانه و معقول را معرفی کرده است. با این حال، کشورها همواره بر تقسیم کمی آبی متمرکز بوده‌اند و حتی در این راه نیز موفق به توسعه و تدوین قواعد روشنی که اعمال آنها بر موارد عینی ابهام‌آمیز نباشد، نشده‌اند. از این رو بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی در راستای منافع تمام دولت‌های ساحلی آن و جلوگیری از ایجاد اختلاف میان آنان، همچنان مسئله‌ای حائز اهمیت در جامعه بین‌المللی به‌شمار می‌آید.

به‌منظور رفع مسئله مذکور، رویکردی ظهور یافته که به‌جای تقسیم خود آب، بر ایجاد زمینه‌های همکاری میان دولت‌های ساحلی رودخانه جهت بهره‌برداری از آن به بهینه‌ترین شیوه ممکن و تقسیم منافع حاصله میان دولت‌های ذی‌نفع تأکید دارد. رویکرد مزبور، که به‌عنوان تشریک منافع شناخته می‌

۱. منظور رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و آبخوان‌ها و سایر منابع آب شیرین مستقر یا جاری در قلمرو سرزمینی دو یا بیش از دو دولت است.

۲. رودخانه‌هایی که در سرزمین دو یا بیش از دو کشور جریان دارند و یا مرز حداقل دو کشور را تشکیل می‌دهند.

۳. دولتی از که قسمتی از منبع آبی مشترک بین‌المللی در سرزمین وی قرار دارد.

۴. آن دسته از قواعد بین‌المللی که حاکم بر بهره‌برداری از منابع آبی شیرین مشترک بین‌المللی بوده و از این رو متفاوت از حقوق بین‌الملل دریاهاست.

شود، بر این اساس است که کارآمدترین شیوه بهره‌برداری از یک رودخانه با در نظر گرفتن آن به‌عنوان یک سیستم واحد و بهره‌برداری از آن بر این اساس، و نه تقسیم آب میان دولت‌های ساحلی و اجرای طرح‌های آبی مشابه و کم‌بازده توسط هر کشور، محقق می‌شود.

هدف از پژوهش حاضر بررسی روند تکامل حقوق بین‌الملل آب و شرایطی است که بر اساس آن رویکرد تشریح منافع به‌عنوان مطلوب‌ترین شیوه بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی مطرح است.

۲. توسعه حقوق بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی

از منظر حقوقی بهره‌برداری از رودخانه‌ها به دو دسته کشتیرانی و غیرکشتیرانی دسته‌بندی می‌شود که برای هر یک قواعد جداگانه‌ای ایجاد و توسعه یافته است. در واقع حقوق بین‌الملل آب نتیجه فرایند تکامل نظریه‌های حقوقی مربوط به استفاده‌های کشتیرانی و غیرکشتیرانی از منابع آب فرامرزی است (Eckstein, 2020: 430). درحالی‌که استفاده از رودخانه‌ها جهت کشتیرانی مقدم است، از اوایل سده بیستم به دلیل توسعه فناوری و نیازهای بشری غالب توجهات به استفاده غیرکشتیرانی از رودخانه‌ها معطوف شده و قواعد آن در رویه دولت‌ها و معاهدات مربوط، توسعه چشمگیری یافته است که در ادامه به اختصار به آن اشاره می‌شود.

۱. حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی از رودخانه‌های فرامرزی

تاکنون چندین نظریه، در خصوص حقوق و تکالیف دولت‌ها در استفاده غیرکشتیرانی از رودخانه‌های فرامرزی مطرح شده است. این نظریه‌ها اغلب توسط رویه دولت‌ها و در برخی موارد به‌وسیله تصمیمات برخی از دیوان‌های بین‌المللی مورد حمایت بودند. با این حال از آنجا که نظریه‌های مزبور یا مانند نظریه حاکمیت مطلق سرزمینی^۱ در خدمت دولت بالادستی رودخانه، یا همانند نظریه یکپارچگی مطلق سرزمینی^۲ به نفع دولت پایین‌دستی بودند و یا همچون نظریه تخصیص مقدم از حقوق دولتی که پیشتر از سایر دولت‌های ساحلی رودخانه از آب آن استفاده کرده حمایت می‌کردند، به دلیل ناکامی در توجه به حقوق سایر دولت‌های ساحلی رودخانه، نتوانستند برای مدت طولانی مورد پذیرش جامعه بین‌المللی دولت‌ها قرار گیرند، چراکه یک دولت باید در راستای اقدام‌های خود جهت بهره‌برداری از منابع آبی مشترک فرامرزی، مانند رودخانه‌های فرامرزی، منافع دولت‌های ساحلی دیگر را در نظر بگیرد و میان آنها و منافع خود سازش برقرار کند؛ امری که توسط دیوان داوری در قضیه دریاچه لانو اعلام شد (Salman & Uprety, 2003: 13).

1. Absolute Territorial Sovereignty

2. Absolute Territorial Integrity

در پرتو ناکامی نظریه‌های پیش‌گفته نظریه حاکمیت محدود سرزمینی^۱ مطرح شد. بر اساس این نظریه، هر دولتی می‌تواند از آب رودخانه فرامرزی در قلمرو خود استفاده کند، مشروط بر اینکه چنین استفاده‌ای به حقوق سایر دولت‌های ساحلی لطمه‌ای وارد نسازد (Rajsingh & Tripathi, 2021:105). از این رو می‌توان استدلال کرد که نظریه حاکمیت محدود سرزمینی منطبق با اصل استفاده غیرزیانبار از قلمرو^۲، که دیوان بین‌المللی دادگستری «دیوان» در قضیه کورفو از آن به‌عنوان یکی از اصول شناخته‌شده بین‌المللی (ICJ Rep, 1949: 22) و در نظر مشورتی در خصوص مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای از آن به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی نام برد (ICJ Rep, 1996: Para.29)، است.

به‌صورت کلی، قلمرو یک دولت متشکل از سرزمین اصلی، آب‌های داخلی و فضای بالای آنهاست (Distefano, 2010: 27). اگرچه مطابق با اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، دولت‌ها از حق انحصاری کنترل، بهره‌برداری و مدیریت منابع طبیعی قرار گرفته در سرزمین خود برخوردارند (Stilz, 2019: 201)، اما همان‌طور که در قضیه تریل اسملتر^۳ اعلام شد که هیچ دولتی حق ندارد یا نباید اجازه دهد که از سرزمینش به‌نحوی استفاده شود که موجب خسارت به سرزمین دولت دیگر یا اموال یا افراد آن شود (زمانی و برلیان، ۱۴۰۱: ۱۵)، همچنین دیوان در رسیدگی به اختلاف بین کاستاریکا و نیکاراگوئه اعلام کرد که دولت‌ها موظف‌اند درون سرزمین خود یا مناطقی که تحت حاکمیت دارد، از انجام فعالیت‌هایی که ممکن است موجب آسیب قابل توجه به محیط زیست سایر دولت‌ها شود، خودداری کند (ICJ Rep, 2015: Para.118).

بنابراین اگرچه حاکمیت دولت به رودخانه‌ای که از سرزمینش عبور می‌کند تسری دارد، دولت مزبور نمی‌تواند به‌صورت آزادانه و نامحدود اعمال حاکمیت کند (ممتاز، ۱۳۷۴: ۱۰۹) و می‌بایست در بهره‌برداری از آب رودخانه مزبور در سرزمین خود از انجام اقداماتی که منافع و حقوق سایر دولت‌های ساحلی را نقض می‌کند و یا به محیط زیست آنان آسیب وارد می‌کند خودداری ورزد (McCaffrey, 2019: 147). اینکه، حقوق سایر دولت‌های ساحلی چیست، موضوعی خارج از محدوده پژوهش حاضر است، اما با قطعیت می‌توان گفت که حق برخورداری از سهم عادلانه از استفاده‌ها و منافع آب رودخانه از مهم‌ترین حقوق دولت‌های مزبور قلمداد می‌شود.

ایجاد تعادل میان منافع دولت‌های بالادستی و پایین‌دستی رودخانه مهم‌ترین مزیت نظریه حاکمیت محدود سرزمینی قلمداد می‌شود؛ امری که منطبق با نظر دیوان دائمی دادگستری در قضیه رودخانه ادر است (Salman, 2021: 186). در قضیه مزبور اعلام شد همه دولت‌های ساحلی یک رودخانه در بهره‌برداری از آن از حقوق برابر برخوردارند، و هیچ‌گونه امتیاز ویژه‌ای برای یک دولت ساحلی نسبت به

1. Limited Territorial Sovereignty
 2. *sic utere tuo ut alienum non laedas*
 3. Trail Smelter Arbitration (United States v. Canada), 1941.

دیگر دولت‌های ساحلی وجود ندارد (27: P.C.I.J Judgment, 1929). بنابراین حاکمیت دولت بر آب رودخانه، مطابق با نظریه حاکمیت محدود سرزمینی، نسبی و مشروط است؛ یعنی دولت‌های ساحلی برخوردار از حقوق و وظایف متقابل نسبت به استفاده از رودخانه و هر دولت بهره‌مند از سهمی منصفانه از آب رودخانه است (Rahaman, 2009: 160).

این نظریه که تشکیل‌دهنده مبنای حقوق بین‌الملل آب در دوره معاصر است (آوریده و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۱)، دربردارنده حق استفاده منصفانه و معقول از آب و منافع رودخانه برای هریک از دولت‌های ساحلی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲.۲. تقسیم آب یا تشریح منافع حاصل از استفاده از آب

اصل استفاده منصفانه و معقول که برخاسته از نظریه حاکمیت محدود سرزمینی است، به‌عنوان مبنای همکاری میان کشورهای ساحلی رودخانه فرامرزی عمل می‌کند (Devlaeminck, 2018: 329) و در حال حاضر مهم‌ترین اصل حقوق بین‌الملل آب محسوب می‌شود (McIntyre, 2010: 66). عنوان شده این اصل منعکس‌کننده دیدگاهی در حال ظهور در زمینه منابع طبیعی است که مبتنی بر تنظیم استفاده از محیط زیست بین‌المللی به‌منظور مدیریت منابع، در مقابل مدیریت واحد سیاسی، است (Rajasingh & Tripathi, 2021: 106). براساس این اصل سهم کل آب هر دولت ساحلی رودخانه با توجه به معیارهای استفاده منصفانه و معقول، از طریق ضرب ارزش هر عامل در وزن آن و سپس محاسبه مجموعه عوامل مزبور تعیین می‌شود (Avarideh et al., 2017: 1194). البته استفاده عملی از اصل مزبور به‌منظور تخصیص منابع آب مشترک چالش بزرگی محسوب می‌شود (Onencan & Walle, 2018: 708).

اصل مزبور اولین مرتبه در سال ۱۹۶۶ توسط مجموعه قواعد هلسینکی انجمن حقوق بین‌الملل ظهور یافت و پس از آن در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی «کنوانسیون آبراه‌ها»، که به‌عنوان تدوین عرف بین‌الملل در این زمینه قلمداد می‌شود (Tanzi, 2021: 620)، دیده می‌شود. افزون‌بر این، دیوان در قضیه گابچیکو-ناگیماروش، بر حق اساسی دولت‌های ساحلی رودخانه فرامرزی در استفاده از رودخانه به‌صورت منصفانه و معقول تأکید کرد (ICJ Rep, 1997: Para.85).

درحالی‌که اصل استفاده منصفانه و معقول همواره به‌عنوان ترکیبی واحد به‌کار برده می‌شود، شایان توجه است که استفاده معقول متفاوت از استفاده منصفانه است؛ استفاده معقول معطوف به آب رودخانه و استفاده از آن جهت کسب حداکثر مطلوبیت است. اصولاً استفاده معقول مبنایی جهت حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی برای نسل‌های کنونی و آینده از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق قلمداد می‌شود. بنابراین،

در پرتو ویژگی‌های منبع طبیعی موردنظر تعیین استفاده معقول در هر مورد متفاوت خواهد بود. در مقابل، استفاده منصفانه معطوف به نحوه تخصیص آب میان دولتهاست (Barberis, 1991: 176). استفاده منصفانه بر آن است که هر دولت برخوردار از حق استفاده از آب است، حتی که از لحاظ کیفی برابر با حق سایر دولت‌های ساحلی رودخانه است. با این حال، این حق نباید با برخورداری از سهمی برابر در استفاده‌ها و منافع ناشی از منبع آبی مشترک اشتباه گرفته شود (شفیعی‌بافتی و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۱۵۸۲).

به‌صورت کلی، استفاده منصفانه و معقول از طریق برقراری تعادل بین عوامل اجتماعی و اقتصادی دولت‌های ساحلی و ملاحظات فیزیکی رودخانه تعیین می‌شود (Eckstein, 1995: 78). در قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ مجاور رودخانه اروگوئه، دیوان تعادل بین حقوق و نیازهای دولت‌های ساحلی را به استفاده از رودخانه برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری از یک سو و تعهد به حفاظت آن از هرگونه آسیب زیست‌محیطی که می‌تواند از چنین فعالیت منتج شود از سوی دیگر، به‌عنوان مبنای استفاده بهینه و معقول نام برد (ICJ Rep, 2010: Para.175).

اصل استفاده منصفانه و معقول، به‌دنبال دستیابی به حداکثر منافع ممکن برای همه دولت‌های ساحلی و برآوردن حداکثر ممکن از همه نیازهای آنان است، درحالی‌که ضرر یا نیازهای برآورده‌نشده هریک را به حداقل رساند (Middleton, Devlaeminck, 2021: 237). بنابراین همان‌طور که دیوان در قضیه ناوبری و حقوق مربوط اعلام کرد، یک دولت ساحلی ضمن برخورداری از حق استفاده از رودخانه به‌صورت منصفانه و معقول، متعهد به عدم تجاوز از حق خود و نادیده گرفتن منافع سایر دولت‌های ساحلی رودخانه است (ICJ Rep, 2009: Para.177). به‌عبارت دیگر، استفاده‌ای منصفانه و معقول است که موجب آسیب فراوان به دولت ساحلی دیگر نشود (ممتاز، ۱۳۷۴: ۱۱۵).

اگرچه عمده اقدامات دولت‌های ساحلی رودخانه‌های فرامرزی در اعمال اصل مذکور متمرکز بر تقسیم آب میان خود بر اساس عوامل تعیین استفاده منصفانه و معقول بوده است، نکته‌ای که مبادی به آن توجه شود آن است که تقسیم آب بر اساس اصل استفاده منصفانه و معقول، چندان همخوانی با هدف مصرف بهینه آب، این منبع ارزشمند متناهی، ندارد (Daoudy, 2010, 43)؛ چراکه در این وضعیت هر دولت ساحلی رودخانه از سهم خود به‌منظور انجام پروژه یا طرح‌های آبی کم‌بازده استفاده خواهد کرد. حال آنکه مدل دیگری با عنوان تشریح منافع در اجرای اصل استفاده منصفانه و معقول در بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی قابل تصور است. این مدل، برخلاف تقسیم آب رودخانه میان دولت‌های ساحلی و استفاده خودمختار هر دولت از سهم خود، مبتنی بر همکاری میان کشورهای ساحلی رودخانه جهت بهره‌برداری از آب به بهینه‌ترین شکل آن و تشریح منافع حاصل از آن همکاری میان خود است. البته

باید توجه شود که رویکرد تشریح منافع از نظریه جامعه هم‌سود^۱ یا مدیریت مشترک^۲، که مطابق آن رودخانه یک واحد اقتصادی قلمداد شده (ولدانی، ۱۳۸۸: ۷۵) و تمامی دولت‌های ساحلی رودخانه نسبت به آن دارای حاکمیت مشترک‌اند و منابع آن متعلق به تمامی دولت‌های ساحلی است (شیرازیان و خطیبی، ۱۳۹۴: ۷۸)، متفاوت است. به عبارت دیگر، رودخانه مال مشترک متعلق به تمامی دولت‌های ساحلی است (McCaffrey, 2019: 147). طبق رویکرد مذکور کل رودخانه باید به‌عنوان یک کل یکپارچه مدیریت شود و هیچ دولتی نمی‌تواند بدون همکاری و اجازه سایر دولت‌های ساحلی بر منبع تأثیر بگذارد (Rajsingh & Tripathi, 2021: 106). این در حالی است که بر اساس رویکرد تشریح منافع هر دولت ساحلی بر قسمتی از رودخانه که در قلمرو آن قرار گرفته، حاکمیت دارد و بر مبنای این حاکمیت می‌تواند وارد توافق یا سایر دولت‌های ساحلی جهت بهره‌برداری بهینه‌تر از رودخانه و تشریح منافع حاصل از آن شود.

در سالیان اخیر رویه بین‌المللی حاکی از توجه بیشتر به رویکرد تشریح منافع در بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی است. اما پیش از پرداختن به این موضوع، به پیدایش و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود.

۳. تشریح منافع در حقوق بین‌الملل

به‌صورت کلی، تشریح منافع به روش جدیدی به‌منظور مدیریت منابع طبیعی و توزیع هزینه‌ها و مزایای استفاده و حفاظت از آنها بین بازیگران اشاره دارد (Weston & Bollier, 2013: 6) که می‌تواند شامل توزیع منافع پولی و غیرپولی حاصل از بهره‌برداری از یک منبع خاص نیز باشد (Tsyachnyouk, 2018: 29). این رویکرد به‌طور فزاینده‌ای در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل همچون حقوق بین‌الملل تنوع زیستی، حقوق بشر، حقوق دریاها، حقوق فضا و همچنین در زمینه تغییرات اقلیمی، آب، غذا و کشاورزی، ظهور یافته است، که در ادامه تشریح می‌شود.

۱.۳. ظهور و توسعه رویکرد تشریح منافع در حقوق بین‌الملل

تشریح منافع برای اولین بار در زمینه حقوق بشر و توسط اعلامیه جهانی حقوق بشر در حقوق بین‌الملل مطرح شد. این اعلامیه در ماده ۲۷ خود به «...حق همه افراد در بهره‌مندی از پیشرفت علمی و سهمیم بودن در منافع حاصل از آن» به‌عنوان بخشی از حق بر علم تصریح می‌کند. به‌عبارت دیگر، حتی اگر

1. Community of Interests
2. Common Management

همه نمی‌توانند نقش فعالی در پیشرفت‌های علمی داشته باشند، همه افراد باید بتوانند در منافع حاصل از پیشرفت‌های علمی سهیم باشند. افزون بر این اعلامیه سازمان ملل درباره حق توسعه به «تعهد دولت‌ها نسبت به تضمین مشارکت فعال، آزادانه و معنادار تمام جمعیت و افراد در توسعه ملی و تقسیم منصفانه منافع حاصل از آن» اشاره دارد.

تشریک منافع در مقاله‌نامه شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار درباره افراد بومی نیز به چشم می‌خورد. در ماده ۱۵ مقاله‌نامه مقرر شده است که افراد تحت حمایت آن «باید در منافع حاصل از بهره‌برداری‌ها و اکتشافات منابع طبیعی در اراضی خود سهیم شوند». البته ماده مذکور به صورت دقیق دامنه تشریک منافع را مشخص نمی‌کند و از این طریق امکان تفاسیر متفاوت در نظام‌های حقوقی داخلی و اختیارات قابل توجهی در خصوص نحوه اجرای آن فراهم می‌آورد (Medaglia & Perron-Welch, 2019: 72).

در مقایسه با حقوق بشر، رویکرد تشریک منافع در زمینه منابع طبیعی از محتوای هنجاری غنی‌تری برخوردار است. در خصوص منابع طبیعی، تشریک منافع در حقوق بین‌الملل تحت چتر نظم نوین اقتصادی بین‌المللی و میراث آن یعنی برنامه توسعه پایدار جهانی ظهور و توسعه یافته است (Morgera, 2016: 358). نظم نوین اقتصادی بین‌المللی در پی ایجاد زمینه مورد نیاز جهت توسعه مفهوم حاکمیت ملی بر منابع طبیعی به منظور حمایت از تعیین سرنوشت دولت‌ها و مردمان برای تصمیم‌گیری درباره جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه بشری، از طریق گسترش همکاری بین‌المللی بر پایه نیازها و تعبیر اسلوب‌های حقوقی در خدمت تسلط اقتصادی چند دولت محدود، بوده است.

تشریک منافع را می‌توان در مفهوم ابتکاری میراث مشترک بشریت مشاهده کرد. ارتباط بین میراث مشترک بشریت و تشریک منافع ناشی از آن، یکی از عناصر اصلی مفهوم میراث مشترک بشریت، یعنی اشتراک عادلانه منابع، است. این عنصر اصلی ارتباط نزدیکی با رویکرد تشریک منافع دارد، چراکه به دنبال توزیع برابر منابع و توسعه سیاست‌هایی است که وضعیت همگنی را در بین همه دولت‌ها با توجه به منابع میراث مشترک بشریت ایجاد می‌کند (Dauda & Dierickx, 2013: 2). در این خصوص می‌توان به کنوانسیون حاکم بر فعالیتهای دولت‌ها بر روی ماه (۱۹۷۹) و دیگر اجرام آسمانی و کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) اشاره کرد که در پی جلوگیری از تسلط تعداد محدودی از دولت‌ها بر منابع قرار گرفته فرای دسترسی دولت‌های برخوردار از توانایی‌های مالی و فنی کمتر، هستند (Morgera, 2016: 358). برای مثال کنوانسیون حقوق دریاها در دل خود سازوکار نسبتاً پیچیده‌ای جهت تشریک منصفانه منافع اقتصادی حاصل از استخراج معادن در بستر دریاها، به عنوان بخشی از رژیم میراث مشترک بشریت ایجاد کرده است (Morgera, 2017: 3).

با این حال، توسعه ماهوی شایان توجه رویکرد تشریک منافع، در حوزه حقوق بین‌الملل تنوع زیستی به وقوع پیوسته است. در چارچوب کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) و پروتکل ناگویا (۲۰۱۰)، تشریک

منافع مبتنی بر ترتیبات قراردادی دوجانبه‌ای است که بر اساس آن منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع ژنتیک گیاهی، با دولت، افراد بومی و جوامع محلی که ذخایر ژنتیکی و دانش سنتی مرتبط با آن را فراهم آورده‌اند، تقسیم می‌شود (Schroeder, 2007: 206). پیش از تصویب کنوانسیون تنوع زیستی، منابع ژنتیکی گیاهی به‌عنوان میراث مشترک بشریت در نظر گرفته می‌شد، اما با به رسمیت شناختن حاکمیت دولت‌ها بر این منابع، کنوانسیون مزبور اولین مدل دسترسی و تشریک منافع را در این زمینه معرفی کرد (Laurie, 2021: 149).

علاوه بر این کنوانسیون بین‌المللی ذخایر ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی (۲۰۰۱) دربردارنده کامل‌ترین نظام تشریک منافع در قالب سیستمی چندجانبه در ارتباط با منابع گیاهی جهانی دارای اهمیت برای امنیت غذایی است. این کنوانسیون حفظ و استفاده پایدار از منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی و اشتراک عادلانه منافع ناشی از استفاده از آنها جهت کشاورزی پایدار و امنیت غذایی را هدف خود قرار داده است.

در کنار موارد مذکور، از کنوانسیون حفاظت از تنوع زیستی و حفاظت از مناطق بیابانی در آمریکای مرکزی (۱۹۹۲)، پروتکل جامعه توسعه آفریقای جنوبی در مورد جنگلداری (۲۰۰۲)، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با بیابان‌زایی (۱۹۹۴)، کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی (۱۹۹۲) نیز می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین اسناد بین‌المللی دربردارنده تشریک منافع نام برد.

۲.۳. تبیین رویکرد تشریک منافع

رویکرد تشریک منافع از زمان پیدایش در حقوق بین‌الملل دستخوش تحول شده است. این امر می‌تواند ناشی از این حقیقت باشد که این رویکرد در ارتباط با منابع مختلفی که هر یک به‌صورت متفاوت در حقوق بین‌الملل توصیف شده‌اند، به کار رفته است. همچنین رویکرد تشریک منافع ممکن است بر روابط مختلفی از جمله روابط میان دولت‌ها (تشریک منافع بین‌دولتی) و روابط میان دولت و جامعه (تشریک منافع درون‌دولتی) حاکم باشد. برای مثال حقوق بشر متمرکز بر تشریک منافع درون‌دولتی است، درحالی‌که حقوق دریاها تشریک منافع بین‌دولتی و حقوق تنوع زیستی هر دو تشریک منافع بین‌دولتی و درون‌دولتی را مورد توجه قرار داده است. از این رو ارائه تعریف و تبیین رویکرد تشریک منافع چندان آسان نیست.

مشکل تبیین تشریک منافع در شناسایی مبنایی است که بر اساس آن منافع باید به اشتراک گذاشته شود؛ همچنین وجود درک‌های متفاوت از چیستی منافع و اینکه ذی‌نفعان چه کسانی باید باشند. به‌طور کلی، تعیین منافع و مدل‌های تقسیم آن کاملاً به زمینه خاصی وابسته است که رویکرد تشریک منافع نسبت به آن اعمال می‌شود. برای مثال طبق کنوانسیون حقوق دریاها منافع موضوع تقسیم اغلب

اقتصادی هستند (Lodge, 2012: 733). کنوانسیون تنوع زیستی به تأمین مالی، انتقال و اشتراک‌گذاری فناوری اشاره دارد. براساس رویه بین‌المللی، ترتیبات تشریح منافع به فهرستی از منافع پیوند خورده‌اند که ماهیت آنها ممکن است اقتصادی یا غیراقتصادی باشد (Morgera, 2017: 7).

علی‌رغم دشواری تبیین تشریح منافع در پرتو چالش‌های پیش‌گفته، دلیل منطقی پیدایش ترتیبات تشریح منافع در حقوق بین‌الملل اجرای عدالت و انصاف است. به عبارت دیگر، تشریح منافع باید در زمره اصول خاص ناشی از انصاف به‌عنوان یک اصل کلی حقوق بین‌الملل تلقی شود، که می‌تواند به‌عنوان ابزاری به‌منظور ایجاد تعادل میان منافع و حقوق متضاد با رویکردی مبتنی بر تلفیق نظریات عدالت در روابط تحت حقوق بین‌الملل به‌کار رود (Klager, 2011: 130). از این‌رو همانند سایر اصول مبتنی بر عدالت و انصاف، تشریح منافع نیز مفهومی مفتوح و تکاملی است که محتوای آن از طریق ایجاد پیوند با سیستم‌های فرعی مختلف حقوق بین‌الملل تکمیل می‌شود. اگرچه همان‌طور که اشاره شد این مفهوم از زمان پیدایش در حقوق بین‌الملل تغییر یافته است.

تحول مفهومی تشریح منافع را می‌توان از طریق تمایز بین عدالت توزیعی و عدالت مبادله‌ای روشن ساخت. به‌طور خلاصه، عدالت مبادله‌ای به‌دنبال ایجاد تعادل در معاملات بین افراد است و بر ارزش برابر یا معادل مبادلات تمرکز دارد. عدالت توزیعی در عوض با توزیع عادلانه چیزهایی مانند ثروت، کالا میان افراد سروکار دارد (خندانی و خاکباز، ۱۳۹۲: ۷۰). اگرچه مفهوم تشریح منافع در ابتدا بر عدالت توزیعی متمرکز بود، اکنون، اغلب به‌عنوان ابزار جبران یا مبادله به‌کار گرفته می‌شود. برای مثال در چارچوب میراث مشترک بشریت، تشریح منافع بر اساس عدالت توزیعی توجیه می‌شود (DeJonge & Korthals, 2007: 149) که بر مبنای آن هر کشور از حق بهره‌مندی از منافع حاصل از بهره‌برداری از منابعی که میراث مشترک بشریت شناخته می‌شوند، برخوردار است. این رویکرد توسط کنوانسیون تنوع زیستی دچار تحول شد. توجیه تشریح منافع در چارچوب کنوانسیون مزبور اساساً مبتنی بر عدالت مبادله‌ای است. این مبادله بین کشورهای صورت می‌گیرد که از یک سو منابع ژنتیک گیاهی را فراهم می‌کنند و از سوی دیگر کشورهایی که از چنین منابعی استفاده می‌کنند. عدالت مبادله‌ای ایجاب می‌کند که انصاف در آنچه در تعامل دولت‌ها با یکدیگر مبادله می‌شود، تضمین شود (DeJonge, 2011: 132). در زمینه بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی نیز ترتیبات تشریح منافع مبتنی بر عدالت مبادله‌ای هستند، زیرا به‌کارگیری ترتیبات تشریح منافع در یک رودخانه فرامرزی ممکن است مستلزم عدم اجرای حقوق یک دولت ساحلی نسبت به سهم خود از آب رودخانه، در راستای استفاده مطلوب‌تر از آب توسط دولت ساحلی دیگر باشد، از این‌رو دولتی که حق خود را به دولت اخیرالذکر اعطا می‌کند، مستحق دریافت مابه‌ازا و جبران حقوق خود براساس توافق صورت‌گرفته میان آنهاست.

۴. رویکرد تشریح منافع در بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی

امروزه اتفاق آرا در حقوق بین‌الملل آب بر این امر استوار است که دولت‌های ساحلی رودخانه فرامرزی باید به صورت منصفانه از منبع آبی مشترک استفاده کنند. با وجود این، دولت‌ها اغلب به صورت یکجانبه و بدون توجه به آثار اقدام‌های خود بر دیگر دولت‌های ساحلی اقدام به ساخت سد، تغییر مسیر و تنزل کیفیت آب رودخانه می‌کنند. به منظور مقابله با چنین اقداماتی، حقوق بین‌الملل آب اصل استفاده منصفانه و معقول را معرفی کرده است تا بر اساس معیارهای مربوط به تعیین استفاده منصفانه و معقول نسبت به بهره‌برداری از رودخانه اقدام کنند. همان‌طور که اشاره شد، دو مدل، یعنی تقسیم خود آب و یا همکاری مبتنی بر ترتیبات تشریح منافع، بر اساس اصل مزبور جهت بهره‌برداری از یک رودخانه فرامرزی قابل تصور است.

اگرچه مدل اول یعنی تقسیم آب اغلب مورد توجه دولت‌ها بوده است. با این حال و با توجه به اختلافات آبی موجود به نظر می‌رسد که مدل تقسیم آب چندان در حصول نتیجه خود موفق نبوده است. اصولاً دولت‌های ساحلی یک رودخانه هنگام تقسیم و استفاده از آب با اختلاف نظرهای متعددی در خصوص سهم هر یک مواجهند. این مسئله با توجه به نتیجه مجموع-صفر^۱ ناشی از محدود بودن میزان آب قابل درک است، چراکه تقسیم آب میان دولت‌های ساحلی بدین معنا خواهد بود که سهم آب کسب‌شده توسط یک دولت برابر با سهم آب ازدست‌رفته توسط دولت دیگر است. این موضوع تحت عنوان محظوریت منابع مشترک^۲ نیز شناخته می‌شود. محظوریت منابع مشترک زمانی اتفاق می‌افتد که منبع مشترک کسرپذیر باشد، یعنی استفاده یک طرف، امکان استفاده دیگری را کاهش دهد، با این حال جلوگیری از استفاده توسط یک طرف ممکن نیست یا بسیار دشوار است، امری که به استفاده بیش‌ازحد از منبع منجر می‌شود. در رودخانه‌های فرامرزی که منابع آبی بین دو یا چند کشور مشترک است، این منابع بسیار کسرپذیرند، زیرا استفاده از منابع آبی در یک کشور بر استفاده از آن آب در کشور دیگر تأثیر می‌گذارد. در عین حال جلوگیری از استفاده یا به‌طور خاص جلوگیری از استفاده بیش‌ازحد توسط یک کشور، بسیار دشوار یا حتی غیرممکن است (Soliev & Theesfeld, 2020: 63). افزون بر این هرچه تعداد کشورهای ساحلی یک رودخانه فرامرزی بیشتر باشد، پیچیدگی مسائل مربوط به اختلاف آب افزایش خواهد یافت (میرزائی‌ندوشن و بزرگ‌حداد، ۱۴۰۰: ۲۴۴۲).

از این رو به‌منظور پیشگیری از وضعیت مذکور و ایجاد تنش‌های مربوط به تقسیم آب، رویکرد تشریح منافع معرفی شده است (Dombrowsky, 2009: 126). رویکرد مزبور از این قابلیت برخوردار است که نتیجه مجموع-صفر حاصل از تقسیم آب را به نتیجه مجموع-مثبت^۳ حاصل از همکاری در بهره‌برداری

1. Zero Sum

2. The commons dilemma

3. Positive Sum

مشترک از آب تبدیل کند. در واقع ویژگی متمایز رویکرد تشریک منافع توانایی آن در ایجاد همکاری میان دولت‌های ساحلی به‌وسیله تغییر نگرش آنان از تقسیم کمی آب به یافتن مطلوب‌ترین شیوه بهره‌برداری از منبع مشترک و تقسیم منافع حاصل از آن بهره‌برداری است (Soliev et al, 2015: 2729). به عبارت دیگر، رویکرد تشریک منافع، مسئله تقسیم آب ناشی از محظوریت منابع مشترک یا سؤال «چه کسی چقدر سهم می‌برد؟» را به مسئله تأمین منافع یا سؤال «چگونه منافع را برای همه افزایش دهیم؟» تغییر می‌دهد، بنابراین از این طریق، اختلافات ناشی از تقسیم آب را دور می‌زند (Soliev & Theesfeld, 2020: 65). از آنجایی که ترتیبات تشریک منافع به کارآمدی بیشتر بهره‌برداری از رودخانه منجر می‌شود، همکاری میان دولت‌های ساحلی رودخانه می‌تواند متضمن منافع بیشتری نسبت به اقدام یکجانبه هریک از دولت‌ها در بهره‌برداری از آن باشد (Sadoff & Grey, 2005: 425).

رویکرد تشریک منافع در بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی بر سه فرض استوار است؛ اول اینکه منابع آب رودخانه علی‌رغم اهمیت فراوان محدود به مصارف خاصی است؛ دوم اینکه تمام دولت‌ها به نحوی نیازمند استفاده از این منابع هستند؛ و در نهایت اینکه در مسیر یک رودخانه فرامرزی نقاطی وجود دارد که بیشترین منافع از استفاده‌ای خاص از آب حاصل می‌شود. برای مثال قسمت‌های کوهپایه‌ای مسیر رودخانه برای تولید برق و قسمت‌های هموار برای استفاده از آب برای مصارف آبیاری مناسب‌اند. بنابراین در شرایطی که تخصیص کمی آب میان کشورهای ساحلی یک رودخانه فرامرزی بر اساس سهم هریک از آنان ناکارآمد به نظر می‌رسد، ترتیبات تشریک منافع به کشورهای مزبور اجازه می‌دهد با اتخاذ یک رویکرد گسترده‌تر به منظور بهینه‌سازی مزایا و تخصیص هزینه‌ها، از طریق ارائه چارچوبی جهت تقسیم عادلانه آن مزایا و هزینه‌ها، با یکدیگر همکاری کنند.

علاوه بر منابع آبی فرامرزی، رویکرد مزبور همچنین در ارتباط با بهره‌برداری از دیگر منابع طبیعی فرامرزی از قبیل میادین نفتی نیز مورد توجه است (Lee, 2015: 142).

۱.۴. رابطه تشریک منافع با سایر اصول بنیادین حقوق بین‌الملل آب

عنوان شده که رویکرد تشریک منافع به یک اصل کلی در حقوق بین‌الملل آب و همچنین در حقوق بین‌الملل محیط زیست تبدیل شده است (Tarlock & Wouters, 2007: 527). در حالی که هر عملی که توسط دولت‌ها بر اساس اتفاق نظر انجام می‌گیرد، نیازی به مشروعیت یافتن بر اساس یک قاعده یا اصل تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل ندارد، با وجود این بررسی اینکه آیا ترتیبات تشریک منافع با قواعد و اصول تثبیت‌شده بین‌المللی سازگار است، مفید خواهد بود. تشریک منافع می‌تواند به حمایت هر سه اصل بنیادین حقوق بین‌الملل آب، یعنی اصل استفاده منصفانه و معقول، جلوگیری از آسیب فرامرزی شایان

توجه و وظیفه همکاری متکی باشد (McIntyre, 2015: 52). در واقع اصول مزبور چارچوب مورد نیاز برای ارتقای همکاری و حمایت از اجرای ترتیبات تشریح منافع را ایجاد می‌کنند که در ادامه تشریح می‌شود. شایان ذکر اصل مشارکت در منافع یک منبع طبیعی به صورت منصفانه و معقول به‌عنوان یکی از اصول اعلام‌شده کمیسیون حقوق بین‌الملل جهت توجه در زمان تهیه پیش‌نویس کنوانسیون آبراه‌ها به گزارشگر ویژه، آقای مک‌کافری، پیشنهاد شده بود (Yearbook of the International Law, Commission, 1985, Vol. II(1), ara.13).

۴.۱.۱. اصل استفاده منصفانه و معقول

اگرچه در مواردی سعی شده از طریق مقایسه میان اصل استفاده منصفانه و معقول و تشریح منافع، هر کدام به‌عنوان مبنای ترجیحی در توسعه و مدیریت منابع آبی رودخانه‌ها معرفی شوند، باید توجه شود که این دو جایگزین یا رقیب یکدیگر نیستند. اصل استفاده منصفانه و معقول، از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل آب است و رویکرد تشریح منافع، شیوه‌ای برای بهره‌برداری بهینه از آب است که از حمایت اصل مزبور برخوردار است و به استفاده منصفانه و معقول از رودخانه‌های فرامرزی کمک می‌کند. این امر که رویکرد تشریح منافع برخلاف و یا رقیب استفاده منصفانه و معقول است، از این تصور اشتباه ناشی می‌شود که اصل مذکور، برخلاف معنای واقعی آن که بسیار گسترده‌تر است، صرفاً به تخصیص کمی آب اشاره دارد (Wouters & Moynihan, 2013: 324).

ماده ۵ کنوانسیون آبراه‌ها، که همانند بسیاری از مفاد دیگر کنوانسیون مزبور به‌عنوان بیان مکتوب قواعد حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد می‌شود، به اصل استفاده منصفانه و معقول اشاره دارد. عبارات «استفاده»، «مشارکت» و «منافع» در ماده مزبور حاکی از آن است که کشورهای کناری یک رودخانه می‌توانند منابع آبی را به صورت کمی تخصیص دهند و یا بر تشریح منافع ناشی از استفاده و حفاظت از آن منابع آبی مشترک موافقت کنند (Wouters & Moynihan, 2013: 324)؛ یعنی ترتیبات مبتنی بر تشریح منافع ممکن است جایگزین یا مکمل ترتیبات مبتنی بر تخصیص کمی منابع آب باشد. به عبارت دیگر، تشریح منافع یکی از دو مدل در رقابت با هم در ارتباط با اجرای اصل استفاده منصفانه و معقول تلقی می‌شود.

مفهوم تشریح منافع در چارچوب اصل استفاده منصفانه و معقول در قضیه گابچیکو-ناگیماروش نیز مورد توجه قرار گرفته بود. دیوان در تصمیم خود دریافت که معاهده منعقدشده در سال ۱۹۷۷ که بین مجارستان و چکسلواکی، نه تنها شامل یک برنامه سرمایه‌گذاری مشترک است، بلکه سازوکاری را به منظور تقسیم منافع نیز ایجاد می‌کند. بر اساس معاهده مذکور، زیرساخت‌های اصلی سیستم آب‌بندها، دارای مشترک طرفین قلمداد می‌شود که بهره‌برداری از آنها در قالب یک واحد هماهنگ خواهد بود و منافع آن به طور مساوی بین طرفین

تقسیم می‌شود. در قضیه مزبور دیوان اساساً حق بنیادین نسبت به سهم منصفانه و معقول از منابع یک رودخانه بین‌المللی را تأیید کرد، که طی آن «منابع» نه تنها شامل آب، بلکه ظرفیت آب برای تولید نیروی برق-آبی، یکپارچگی زیست‌محیطی سیستم جریان آب، و منافع ناشی از جریان آب نیز می‌شود.

این درک از تشریح منافع به‌عنوان ابزاری به‌منظور اعمال اصل استفاده منصفانه و معقول، هدف کلی رویکرد تشریح منافع، یعنی تقسیم عادلانه هرگونه منافع که از طریق همکاری به‌دست می‌آید و همچنین استفاده مطلوب و معقول از منابع آب مشترک را برجسته می‌کند و نشان‌دهنده ارتباط نزدیک اصل استفاده منصفانه و معقول و رویکرد تشریح منافع است.

همچنین اگرچه فهرست عوامل مؤثر در تعیین استفاده منصفانه و معقول طبق ماده ۶ کنوانسیون آبراه‌ها، شامل هیچ تصریحی به ترتیبات تشریح منافع نیست، با این حال کاملاً واضح است که عوامل مندرج در ماده مزبور محصور نیست. مضافاً اینکه هیچ امری وجود ندارد که مانع در نظر گرفتن ترتیبات تشریح منافع توسط کشورهای ساحلی یک رودخانه در ایجاد یک سازوکار منصفانه جهت بهره‌برداری از آن شود (McIntyre, 2015: 53). علاوه بر این، ماده ۳ کنوانسیون، آزادی قراردادی کشورها را محفوظ و آنان را تشویق می‌کند تا توافقنامه‌های آبی خود را با اصول بنیادین کنوانسیون هماهنگ کنند. بنابراین کشورهای ساحلی یک رودخانه می‌توانند بر سر شیوه‌ای خاص جهت تشریح منافع حاصل از بهره‌برداری از رودخانه توافق کنند. در این صورت، اگر توزیع منافع و هزینه‌ها منصفانه باشد، چنین شیوه‌ای با اصل استفاده منصفانه و معقول هماهنگ است و توسط آن حمایت می‌شود (Wouters & Moynihan, 2013: 325). از این رو می‌توان گفت ادبیاتی که بر تفاوت بین مفهوم تشریح منافع و اصل استفاده منصفانه و معقول تمرکز دارد، معنای واقعی اصل اخیرالذکر را به‌اشتباه درک کرده است. در واقع باید توجه شود که اصل استفاده منصفانه و معقول یک قاعده ایستا نیست؛ بلکه اصل مذکور فرایندی پویاست که قادر است از رویکرد تشریح منافع به‌منظور بهره‌برداری آبی‌های فرامرزی حمایت کند. البته این امر به تعهد دولت‌ها به همکاری بستگی دارد، که همان‌طور که متعاقباً مورد بحث قرار خواهد گرفت، از اصل تعهد کلی به همکاری ناشی می‌شود.

۲.۱.۴. اصل جلوگیری از آسیب فرامرزی شایان توجه

ترتیبات تشریح منافع، همچنین به‌عنوان ابزاری برای اعمال یکی دیگر از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل آب، یعنی اصل جلوگیری از آسیب فرامرزی قابل توجه عمل می‌کنند (محمدعلی‌پور و طالبیان، ۱۳۹۷: ۲۴۱). اصل مزبور توسط دیوان در قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ به‌عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل معرفی شد (ICJ Rep, 2010: Para.101). ماده ۷ کنوانسیون آبراه‌ها به تعهد کشورها به عدم ایراد آسیب قابل توجه می‌پردازد.

آسیب اشاره شده در ماده مذکور می‌تواند به دلیل بهره‌برداری از آب توسط یکی از دولت‌های ساحلی ایجاد شود، چراکه بهره‌برداری از آب توسط یک دولت معمولاً بر دولت‌های ساحلی دیگر از طریق تغییر در کیفیت آب، تغییر جریان آب یا تغییر در دسترس بودن آب در طول زمان اثرگذار است و تغییرات مذکور ممکن است بر استفاده کنونی تأثیرگذارند یا فرصت‌های توسعه آبی در آینده را سلب نمایند (Leb, 2015: 21).

علاوه بر اینکه ماده مزبور الزامی برای کشورها مقرر می‌دارد که یکی از اصول برجسته حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد می‌شود، این ماده در بند ۲ خود اذعان به ارتباط نزدیک آن با اصل استفاده منصفانه و معقول دارد، و امکان موافقت یک کشور با انجام فعالیت‌هایی در قلمرو کشور دیگر، همراه با در نظر گرفتن نوعی ترتیبات برای جبران خسارت را پیش‌بینی می‌کند که می‌تواند تأثیر نامطلوبی روی منافع کشور اول داشته باشد. گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل به منظور تهیه پیش‌نویس کنوانسیون آبراه‌ها نیز به وجود این اتفاق نظر در میان کشورها اذعان داشت که تعهد به خودداری از فعالیتی که ممکن است سبب «زیان قابل توجه» شود، در مواردی که توافق برای تقسیم عادلانه منافع حاصل از آن فعالیت پیش‌بینی شده بود، قابل اجرا نخواهد بود (Yearbook of the International Law Commission, 1986, vol. II(1), para.29).

بنابراین، ترتیبات توافق شده بین دو کشور به منظور تقسیم دامنه گسترده‌ای از منافع ناشی از آب یا غیرمرتبط با آب با هدف حذف، کاهش یا جبران آسیب‌های وارده به منافع هر یک از آنها بر اثر اجرای ترتیبات تشریح منافع جهت بهره‌برداری از رودخانه، می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر جهت رعایت و اجرای اصل جلوگیری از آسیب فرامرزی قابل توجه در نظر گرفته شود (McIntyre, 2015: 54). شایان توجه است که نیازی نیست که جبران خسارت با ماهیت صرفاً مالی باشد (Tanzi, 2021: 625)، بلکه هرگونه منافع مالی و غیرمالی که در نتیجه رویکرد تشریح منافع ایجاد و بین طرفین تقسیم می‌شود، نوعی جبران خسارت تلقی می‌شود.

۳.۱.۴. اصل تعهد کلی به همکاری

سومین اصل بنیادین حقوق بین‌الملل آب، یعنی اصل تعهد کلی کشورهای ساحلی رودخانه به همکاری در استفاده و حفاظت از آن نیز از ترتیبات تشریح منافع حمایت می‌کند. اصل مزبور عمدتاً متشکل از عناصر رویه‌ای از جمله وظیفه اطلاع‌رسانی به سایر کشورهای ساحلی در خصوص پروژه‌های برنامه‌ریزی شده، مشورت و در صورت لزوم مذاکره با سایر کشورهای ساحلی در صورت بروز اختلاف است. در واقع، اصل تعهد کلی به همکاری به منظور تسهیل اجرای معنادار دو اصل بنیادین پیش‌گفته، به‌خصوص اصل عدم آسیب، ضروری تلقی می‌شود (McIntyre, 2015: 56). در این خصوص دیوان

تصریح کرده که بر اساس همکاری است که دولت‌ها قادرند به‌طور مشترک آسیب به محیط زیست را که ممکن است به‌سبب طرح‌های آغاز شده هریک از آنها ایجاد شود، مدیریت کرده و از آسیب موردنظر جلوگیری کنند (ICJ Rep, 2010:Para.77).

منظور از تعهد کلی به همکاری، مجموعه‌ای از تدابیر و تعهدات متقابل است که باید از سوی دولت‌های ساحلی به‌منظور بهره‌برداری بهتر از رودخانه و تحقق منافع حداکثری برای همه آنان مورد توجه قرار گیرد (داوودمحمد، عبدالقادر صالح ولدبیگی، ۱۴۰۰: ۱۴۶۱). ماده ۸ کنوانسیون آبراه‌ها به اصل وظیفه همکاری تصریح می‌کند. در واقع هدف مزبور تقویت نیروی هنجاری سایر مفاد کنوانسیون در ارتباط با جنبه‌های خاص همکاری میان دولت‌های ساحلی و منعکس‌کننده این حقیقت است که چون منابع آب رودخانه‌های فرامرزی مشترک‌اند، همکاری میان دولت‌های مزبور بسیار مهم است. با این حال کنوانسیون اهداف همکاری را به‌صورت کلی بیان می‌دارد، چراکه اهداف خاص‌تر بسته به عوامل جغرافیایی رودخانه یا نیاز دولت‌های ساحلی متفاوت‌اند. چنین اهداف خاص‌تری را دولت‌ها می‌توانند در چارچوب ترتیبات تشریح منافع برای خود تعیین کنند.

از آنجا که رویکرد تشریح منافع در پی حداکثرسازی منافع و استفاده بهینه از آب است، تأکید بر «منافع متقابل» و «استفاده بهینه» توسط این ماده نشان‌دهنده آن است که ترتیبات تشریح منافع، منطبق با هدف ماده مزبور است و در چارچوب طرح‌های مبتنی بر همکاری قرار می‌گیرند. اصولاً همکاری و اقدام مشترک دولت‌های ساحلی رودخانه به‌منظور ایجاد حداکثر منافع برای هریک از آنها ضروری است. گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌منظور تهیه پیش‌نویس کنوانسیون آبراه‌ها نیز اشاره می‌کند که همکاری متقابل کشورهای ساحلی در بسیاری از موارد به بهره‌برداری کارآمدتر از آنچه در غیر این صورت ممکن بود، منجر شده است. افزون بر اینکه بررسی پتانسیل‌های چندمنظوره و تأثیرات هیدرولوژیکی فعالیت‌های منابع آب در سطح حوضه، نه در سطح ملی به‌تنهایی، به طرح‌های توسعه‌ای با سود خالص قابل‌توجهی برای همه کشورهای مربوط منجر می‌شود. در واقع افزایش تعداد توافق‌نامه‌های بین‌المللی میان کشورها به‌منظور همکاری متقابل برای توسعه مشترک و حفظ منابع آب بین‌المللی منعکس‌کننده پذیرش فزاینده اصول برنامه‌ریزی بین‌المللی منطقه‌ای برای دستیابی به منافع ملی وابسته به یکدیگر است (Yearbook of the International Law Commission, 1990, Vol. II(1), Para.16).

همچنین همکاری بین‌دولتی مبنای اساسی دستیابی و تداوم تخصیص عادلانه استفاده‌ها و منافع حاصل از رودخانه است، زیرا همکاری عامل تحقق راه‌حل‌های عادلانه، ملموس و سریع آن دسته از مشکلاتی است که هنگام بهره‌برداری از رودخانه‌ها بروز می‌کند و دستیابی به آن تنها از طریق مذاکره و هماهنگی دائمی ممکن است (داوودمحمد، عبدالقادر صالح ولدبیگی، ۱۴۰۰: ۱۴۶۶).

بند ۲ ماده مذکور به ایجاد سازوکار و کمیسیون‌های مشترک توسط دولت‌های ساحلی توصیه کرده

است. عملکرد اصلی هر سازوکار یا کمیسیون مشترک مربوط به آب، تبادل منظم و سازمان‌یافته داده‌ها و اطلاعات است. چنین مبادله‌ای به‌عنوان پیش‌نیاز کاملاً حیاتی برای انعقاد هرگونه ترتیبات تشریح منافع شناخته می‌شود (McIntyre, 2015: 57).

درحالی‌که ایجاد ترتیبات تشریح منافع بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل آب مجاز است، هیچ تعهد یا حقی برای ایجاد چنین ترتیباتی به موجب حقوق بین‌الملل عرفی وجود ندارد. با این حال، دیوان داوری در قضیه دریاچه لانو در زمینه وظایف یک کشور ساحلی رودخانه فرامرزی بر اساس قوانین بین‌الملل اظهار کرد چنین کشوری طبق اصل حسن نیت، موظف است منافع سایر کشورهای مربوط را در نظر بگیرد، در پی برآوردن آنها به‌نحوی که سازگار با تعقیب منافع خود است، باشد و نشان دهد که در این خصوص، تمایل واقعی به‌منظور تطبیق منافع کشورهای کناری دیگر با منافع خودش دارد (McCaffrey, 2019: 2). این امر نشان‌دهنده آن است که دولت‌های ساحلی رودخانه‌های فرامرزی حداقل موظف‌اند هرگونه پیشنهادی را که در مورد ترتیبات احتمالی تشریح منافع به آنها داده می‌شود، به‌صورت جدی بررسی کنند (McIntyre, 2015: 58).

۲.۴. رویکرد تشریح منافع در پرتو رویه بین‌المللی

امروزه تعداد رو به افزایشی از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به همکاری و ایجاد ترتیبات تشریح منافع در رودخانه‌های فرامرزی می‌پردازند و بستر لازم جهت اجرای چنین ترتیباتی را فراهم می‌آورند. در موافقت‌نامه‌های مزبور، تشریح منافع اغلب به‌عنوان نتیجه‌ای برای استفاده منصفانه از منابع آب مشترک در نظر گرفته شده است.

اصولاً مبنای همکاری، شناسایی منافع و تقسیم آن در هر مورد خاص به توافق میان دولت‌ها بر اساس نوع همکاری فی‌مابین وابسته است. ترتیبات تشریح منافع به‌طور معمول شامل نوعی پرداخت در ازای منافع حاصله یا جبران هزینه‌ها بابت اقدامات انجام‌گرفته توسط یک دولت ساحلی رودخانه هستند که به بهبود وضعیت رودخانه یا بهره‌برداری بهینه از آن منجر می‌شود. منافع مزبور ممکن است شامل منافع اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی یا سیاسی باشد. رویه موجود حاکی از اتخاذ مدل‌های متنوعی مانند پرداخت نقدی مستقیم بابت آب یا طرح‌های کنترل آبی ایجادکننده منافع برای سایر دولت‌های ساحلی رودخانه همانند ترتیبات بین کانادا و آمریکا در رودخانه کلمبیا، تقسیم برق تولیدی مانند ترتیبات بین هندوستان و نپال در رودخانه ماهاکالی، مالکیت مشترک تأسیسات آبی مانند همکاری میان سنگال، مالی و موریتانی در رودخانه سنگال، تبادل کالا یا خدمات مورد نیاز مانند همکاری قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان در رودخانه سیحون، قرارداد خرید برق مانند همکاری آفریقای جنوبی و لسوتو بر رودخانه

سنگو-اورنج به عنوان اقسام ترتیبات تشریح منافع حاصل از همکاری در رودخانه‌های فرامرزی است (Qaddumi, 2008: 5).

در رویه بین‌المللی، پیمان رودخانه کلمبیا میان آمریکا و کانادا به عنوان یکی از اولین و موفق‌ترین مدل‌های همکاری مشترک و تشریح منافع بین دولت‌های کناری یک رودخانه فرامرزی و مدلی برای سایر کشورها به منظور توسعه طرح‌های مشارکتی محسوب می‌شود (Melesse et al., 2021: 107). رودخانه کلمبیا یکی از چندین رودخانه مشترک بین آمریکا و کانادا است که در طول مسیر آن، کانادا دولت بالادستی و آمریکا دولت پایین‌دستی است.

پس از جنگ جهانی دوم، دو چالش عمده در مقابل کشورهای مزبور در ارتباط با رودخانه کلمبیا وجود داشت که عبارت بودند از سیل‌های دوره‌ای و گاه ویرانگر و نیاز رو به رشد انرژی برق. از این‌رو دو کشور هر کدام خواستار انجام طرح‌هایی بر روی رودخانه برای دامنه وسیعی از کاربردها از جمله تولید برق و کنترل سیل بودند. اما ساخت سد بر روی رودخانه در قلمرو آمریکا که کشور پایین‌دست است، بهینه نبود و کانادا را از فرصت‌های تولید برق محروم می‌کرد. ساخت سد در قلمرو کانادا مستلزم ایجاد مخازن بسیار بزرگ ذخیره آب بود، امری که جوامع محلی را تحت تأثیر قرار می‌داد. با این حال گزینه دوم راه‌حل ترجیحی به نظر می‌رسید. در سال ۱۹۶۱ دو کشور موفق به انعقاد پیمانی جهت توسعه مشترک منابع آبی رودخانه کلمبیا شدند.

پیمان مزبور ساخت و بهره‌برداری سه سد بزرگ در قلمرو کانادا برای حداکثر رساندن منافع مرتبط با ظرفیت تولید برق، آبیاری و کنترل سیل در ایالات متحده را مقرر می‌کند (Hyde, 2010: 1)؛ منافی که کسب آنها به همان میزان هزینه و در غیاب سه سد مزبور در کانادا، برای آمریکا غیرممکن می‌بود. در مقابل، کانادا مستحق دریافت مبلغی مقطوع بابت منافع ایجادشده برای آمریکا در نتیجه ساخت سدها و کاهش خطرهای سیل و همچنین نیمی از مازاد برق تولیدی در نیروگاه‌های آمریکا ناشی از ذخیره آب در کانادا و افزایش جریان آب در طول فصول کم آب در نتیجه رهاسازی آب از مخازن مزبور، شد (پیزلی، ۲۰۰۲: ۲۸۵).

اگرچه پیمان رودخانه کلمبیا به عنوان معیاری برای همکاری بین‌المللی رودخانه‌ای و تقسیم منافع حاصل از چنین همکاری‌هایی قلمداد می‌شود، با این حال پیمان مزبور خالی از کاستی نیست. برای مثال پیمان مزبور به صورت انحصاری بر کنترل سیل و تولید برق متمرکز است و موضوعات زیست‌محیطی را نادیده گرفته است. در نتیجه پس از چندین دهه از اجرای آن، پیمان رودخانه کلمبیا اکنون در آستانه مذاکره مجدد قرار دارد و انتظار می‌رود اشتباهات گذشته از طریق گنجاندن مسائل اکوسیستمی به عنوان یکی از اهداف اصلی پیمان و پیش‌بینی مشارکت مردمان محلی در تصمیم‌گیری‌ها اصلاح شود (Melesse et al., 2021: 112).

همچنین رودخانه مکونگ شایان توجه است. رودخانه مزبور، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های زمین، از ارتفاعات فلات تبت سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از چندین کشور شامل چین، میانمار، لائوس،

کامبوج و ویتنام به دریای جنوبی چین می‌ریزد. اگرچه منابع آبی مکونگ توانایی حمایت از رشد اقتصادی کشورهای ساحلی آن را از طریق آبیاری، انرژی آبی، کشتیرانی، تأمین آب و گردشگری دارد، با این حال همانند بسیاری از رودخانه‌های فرامرزی، رابطه بین کشورهای ساحلی آن نیز ملتهم از مناقشات سیاسی و متأثر از روابط مختلف قدرت مبتنی بر استفاده کنونی از آب و نیازهای ادعایی آینده است (Lee, 2015: 143).

تلاش‌ها برای ایجاد زمینه‌های همکاری بر رودخانه مکونگ سابقه طولانی دارد که مهم‌ترین آن به تصویب موافقت‌نامه مکونگ ۱۹۹۴ منجر شد. موافقت‌نامه مزبور نقطه عطف مهمی در خصوص همکاری کشورهای ساحلی مکونگ جهت بهره‌برداری از آن قلمداد می‌شود، چراکه نیاز به یک سازوکار همکاری مؤثر که توسط آن کشورهای ساحلی رودخانه بتوانند رودخانه مکونگ را به شیوه‌ای منصفانه و پایدار محافظت، مدیریت و توسعه دهند، فراهم می‌آورد (Wouters & Moynihan, 2013: 181) و به‌عنوان یکی از بهترین مدل‌های توسعه پایدار یک رودخانه فرامرزی مورد ستایش قرار است.

شایان ذکر است که ماده ۵ موافقت‌نامه مکونگ در بردارنده استفاده منصفانه و معقول است، اگرچه آبی به‌خودی‌خود تخصیص نمی‌یابد. در واقع موافقت‌نامه پیوندهایی بین اصول همکاری، استفاده منصفانه و معقول و تشریح منافع در مواد ۱ و ۵ ایجاد کرده است. مواد مزبور، به ترتیب، به تعهد همکاری در استفاده از آب و منابع مرتبط با آن به‌نحوی که به بهینه‌سازی استفاده‌های چندگانه و منافع متقابل کشورهای ساحلی منجر شود، و نیز تعهد به استفاده از آب رودخانه مکونگ به شیوه‌ای منصفانه و معقول، اشاره دارند. افزون بر این کمیسیون رودخانه مکونگ، به‌عنوان یک سازمان بین‌دولتی، به‌طور فعال از طریق تدوین اسناد سیاستگذاری نسبت به ترویج ترتیبات تشریح منافع میان کشورهای ساحلی رودخانه اقدام می‌کند.

۳.۴. چالش‌های به‌کارگیری رویکرد تشریح منافع در رودخانه‌های فرامرزی

علی‌رغم قابلیت رویکرد تشریح منافع در حداکثرسازی منافع حاصل از بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی برای دولت‌های ساحلی، به دلیل آنکه دولت‌ها به‌جای بررسی شیوه‌های همکاری به‌منظور حداکثر ساختن منافع متقابل، اغلب توجه به حراست و حفظ استقلال و حاکمیت از طریق محافظت از سهم آب خود دارند، این رویکرد آنچنان که باید در بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی استفاده نشده است (Grzybowski et al., 2010: 154). در واقع بیشتر دولت‌ها به‌جای معامله بر سر حق حاکمیتی خود بر رودخانه، که می‌تواند در طولانی‌مدت پرثمر باشد ولی در کوتاه‌مدت از استقلال آنان بکاهد، ترجیح می‌دهند از طریق تقسیم آب و بهره‌برداری یکجانبه از آن، خودمختاری خود را در بالاترین حد ممکن حفظ نمایند (Alam, 2009: 94). از این‌رو شناسایی منافع بالقوه ناشی از همکاری بر اساس رویکرد تشریح منافع حائز اهمیت بسیار است.

اصولاً بر یک رودخانه فرامرزی که در قلمرو دو دولت ساحلی قرار گرفته، وجود حداقل دو طرح ملی جداگانه جهت بهره‌برداری از آن قابل تصور است؛ اگر این دو طرح ملی در قسمت‌هایی مشترک با یکدیگر باشند، طرح سوم، مبتنی بر همکاری مشترک میان دو دولت، می‌تواند شکل بگیرد. به میزانی که منافع حاصل از این همکاری مشترک شناسایی و تضمین شوند، این طرح توسعه یافته و دو طرح ملی قبلی به یک طرح همکاری بین‌المللی برای دو دولت تبدیل خواهد شد. در این وضعیت طرح همکاری مشترک باید قادر به ایجاد منافی بیش از مجموع دو برنامه ملی یکجانبه باشد، از این رو به گزینه معقول هریک از آن دولت‌ها تبدیل شود. نظریه بازی‌ها می‌تواند به منظور شناسایی منافع مشترک و ایجاد توافق بر یک طرح همکاری مبتنی بر رویکرد تشریک منافع کمک کند. نظریه بازی‌ها اساساً مطالعه ریاضی رقابت و همکاری است که چگونگی واکنش‌های راهبردی بین بازیگران را متناظر با عایدات آنها نشان می‌دهد (نوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹۷). عایدات بازیگران تصمیمات اتخاذ شده و نوع بازی را تعیین می‌کند (Madani, 2010: 226). نظریه بازی‌ها ابزاری قوی برای رفع مناقشات مختلف بین بازیگرانی که هر کدام به دنبال منافع خود هستند، است، چراکه از طریق تجزیه و تحلیل تصمیم، تضاد بین دو طرف در بازی را حل می‌کند و یک برنامه اقدام معقول را که برای همه طرف‌ها مفید باشد، ارائه می‌دهد. این روش به طور گسترده در مسائل گوناگون مدیریت منابع آب استفاده می‌شود (یزیدیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۵)

علاوه بر این قدرت چانه‌زنی نابرابر بین دولت‌ها به منظور تقسیم عادلانه منافع، واگذاری عجولانه فرصت‌های استفاده در آینده و افزایش خطر تخریب اکوسیستم آبی به عنوان انتقاد در برابر گسترش رویکرد تشریک منافع و گذار از تقسیم کمی آب نام برده می‌شود (Tarlock & Wouters, 2007: 524). در این خصوص شایان توجه است که نابرابری قدرت چانه‌زنی در میان دولت‌های ساحلی رودخانه‌های فرامرزی همیشه وجود داشته و خواهد داشت، چه دولت‌های مزبور به دنبال تقسیم کمی آب یا مزایای مربوط به آب و یا سایر منافع باشند، اگرچه تأکید فزاینده در حقوق بین‌الملل آب بر عدالت رویه‌ای در پی برابری زمین بازی دولت‌ها تا حد ممکن است (McIntyre, 2013: 116). عدالت رویه‌ای به طور ویژه به صحت فرایندهای قانونی و حقوق مشارکتی طرف‌های درگیر تمرکز دارد، و در صورتی که این موارد محقق شوند، فرایند مربوط عادلانه قلمداد می‌شود. اگرچه عدالت رویه‌ای مربوط به تقسیم منافع (عدالت توزیعی) نیست، در ارتباط با تقسیم عادلانه منافع حائز اهمیت است، زیرا بر عادلانه بودن فرایندهایی که از طریق آنها تقسیم منافع تحقق می‌یابد، تمرکز دارد (DeJonge, 2011: 133).

در خصوص واگذاری عجولانه فرصت‌های بهره‌برداری از آب در آینده، که ادعا می‌شود ناشی از ناتوانی دولت‌های بالادستی رودخانه در انجام معامله برابر با دولت‌های ثروتمند پایین‌دستی است، باید توجه شود که این موضوع همیشه به این صورت نیست و می‌توان از وضعیت چین در رودخانه مکونگ در نقض این ادعا نام برد. با این حال، دولت‌های مزبور باید تلاش نمایند که در مذاکرات به منظور بهره‌برداری از رودخانه بر

اساس رویکرد تشریح منافع، منافع بلندمدت خود حفظ کنند و اجازه ندهند که منافع مالی کوتاه‌مدت به قیمت از دست دادن استفاده‌های آتی به‌دست آید و جایگزین آن شود. در نهایت اینکه وزن قابل توجهی که اصل استفاده منصفانه و معقول به ملاحظات زیست‌محیطی به‌طور کلی، و حفاظت از اکوسیستم به‌طور خاص می‌دهد، باید به رفع نگرانی در خصوص اینکه تشریح منافع ممکن است خطری برای یکپارچگی اکوسیستم آبی ایجاد کند، کمک کند (McIntyre, 2015: 59)، چراکه اصل مزبور تأکید بر حفاظت از رودخانه هنگام استفاده منصفانه و معقول از آن دارد، و رویکرد تشریح منافع نیز براساس آن اصل است.

۵. نتیجه

نحوه بهره‌برداری و مدیریت رودخانه‌های فرامرزی تأثیر زیادی بر رفاه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی جوامع در سراسر جهان دارد. درحالی‌که چالش‌های جهانی مرتبط با امنیت آب در حال پیچیده‌تر شدن هستند، رودخانه‌های فرامرزی تحت فشار فزاینده ناشی از افزایش تقاضای آب قرار دارند. همچنین از آنجا که سهم آب کسب‌شده توسط یک کشور سهم آب از دست‌رفته کشور دیگر محسوب می‌شود، کشورهای ساحلی رودخانه‌های فرامرزی به‌طور معمول در رقابت با یکدیگر در استفاده از منابع آبی مشترک‌اند.

در مواجهه با این شرایط، رویکرد جدیدی به‌منظور مدیریت مؤثر آب‌های رودخانه‌ها نیاز است. تشریح منافع، که بر مبنای اصل بنیادین استفاده منصفانه و معقول است و از حمایت اصول بنیادین دیگر حقوق بین‌الملل آب همچون اصل جلوگیری از آسیب فرامرزی قابل توجه و اصل وظیفه همکاری برخوردار است، می‌تواند چنین رویکردی قلمداد شود. رویکرد تشریح منافع به‌دنبال آن است نتیجه مجموع-صفر ناشی از تقسیم آب را به تعامل مجموع-مثبت میان دولت‌های ساحلی رودخانه تغییر دهد. در واقع با اجرای ترتیبات تشریح منافع و نه تخصیص فیزیکی آب، کشورها قادرند منافع متنوعی را شناسایی و بهره‌برداری کنند.

بر اساس رویکرد تشریح منافع، دولت‌های ساحلی در عوض تقسیم آب میان خود و بهره‌برداری هر یک از سهام خود به‌صورت یکجانبه، از طریق تعامل و همکاری با یکدیگر از رودخانه فرامرزی مشترک به بهینه‌ترین شیوه ممکن بهره‌برداری کنند و منافع چنین بهره‌برداری را که قاعدتاً بیشتر از بهره‌برداری یکجانبه توسط هر یک خواهد بود، میان خود و بر اساس توافق تقسیم می‌نمایند. رویکرد مزبور آب را به‌عنوان یک کالای باارزش و کمیاب با کاربری‌های مختلف می‌نگرد که باید بدون در نظر گرفتن مرزهای سرزمینی به باارزش‌ترین استفاده‌ها اختصاص یابد. از این‌رو ممکن است از نظر اقتصادی یا سیاسی منطقی باشد که کشوری از تمام یا بخشی از سهم آب خود از یک رودخانه، به‌منظور بهره‌برداری بهینه‌تر از آب صرف‌نظر کند و در عوض در منافع ناشی از آن بهره‌برداری سهیم شود.

اصولاً وجود منافع بیشتر، در مقایسه با اقدام یکجانبه، موجب همکاری میان کشورهای ساحلی رودخانه می‌شود. به صورت کلی، چهار نوع منافع در نتیجه همکاری دولت‌ها براساس ترتیبات تشریح منافع قابل تصورند که عبارت‌اند از منافع برای رودخانه به دلیل بهبود پایداری اکولوژیکی رودخانه؛ منافع ناشی از رودخانه شامل مزایای اقتصادی مرتبط با بهره‌برداری از آب، بهبود کنترل سیل یا افزایش ناوبری؛ منافع ناشی از کاهش هزینه‌ها به خاطر رودخانه از طریق کاهش هزینه‌های درگیری سیاسی، زمانی که کشورها تمرکز سیاست‌های خود را از اختلاف به همکاری تغییر می‌دهند؛ و در نهایت، منافع فراتر از رودخانه ناشی از بهبود زیرساخت‌ها، بازارها و تجارت منطقه‌ای.

با این حال، اظهار اینکه اتخاذ ترتیبات تشریح منافع به منظور بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی در حقوق بین‌الملل آب کاملاً تثبیت شده است، اغراق‌آمیز خواهد بود. اما از آنجا که رویکرد مزبور از قابلیت ایجاد زمینه‌های تعامل و همکاری میان دولت‌های ساحلی یک رودخانه فرامرزی و از بین بردن رقابت میان آنها برخوردار است، در سالیان اخیر بیش از پیش به عنوان شیوه ترجیحی بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی مورد توجه قرار گرفته و در حال حاضر ترتیبات تشریح منافع بر اساس مدل‌های متنوع همکاری در بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی در سرتاسر کره زمین مورد استفاده است.

منابع

۱. فارسی

– مقالات

۱. آوریده، فریبا؛ عطاری، جمال و عبداللهی، محسن. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر تقسیم آب در رودخانه‌های فرامرزی. فصلنامه علوم محیطی، ۱۴(۲)، صص ۷۹-۹۶.
۲. جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۸). استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل، حقوق و سیاست، ۱۱(۲۶)، صص ۶۳-۹۲.
۳. خندانی، سید پدram و خاکباز، محمد. (۱۳۹۲). تفسیر نظریه عدالت معاوضی در قلمرو قراردادهای، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۵(۸)، صص ۸۴-۶۹.
۴. داود محمد، سنگر؛ عبدالقادر صالح ولدییگی، آزاد. (۱۴۰۰). اصل همکاری در زمینه بهره‌برداری از آبراهه‌های بین‌المللی، با تأکید بر آبراهه‌های بین‌المللی ایران و عراق، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۱(۴)، صص ۱۴۵۹-۱۴۸۶.
۵. زمانی، سید قاسم؛ برلیان، پویا. (۱۴۰۱). ساخت و بهره‌برداری از سد ایلیسو توسط دولت ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، صص ۱-۲۷.

۶. شفیعی بافتی، نگین و سلیمانی، شیما. (۱۴۰۰). ارتباط میان اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول و اصل منع آسیب در حقوق بین‌الملل آبراه‌ها با تأکید بر کنوانسیون ۱۹۹۷. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۱(۴)، صص ۱۵۷۹-۱۶۰۱
۷. شولی، علیرضا و وطن فدا، جبار و آوریده، فریبا. (۱۳۹۴). بررسی نظریه‌های حقوقی و مقررات تقسیم آب در قوانین و معاهدات بین‌المللی آب‌های مرزی. علوم و فنون مرزی، ۱۳، صص ۱۵۲-۱۲۱
۸. شیرازیان، شیرین و خطیبی، عطیه. (۱۳۹۴). حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار، فصلنامه پایداری. توسعه و محیط زیست، ۴، صص ۸۵-۷۳
۹. محمدعلی‌پور، فریده و طالبیان، حامد (۱۳۹۷). منابع آبی مشترک در حوضه کورا - ارس؛ پیشران صلح در قفقاز جنوبی. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۱(۱)، صص ۲۳۱-۲۴۶
۱۰. ممتاز، جمشید. (۱۳۷۳). نظام حقوقی منابع آب آبراه‌های بین‌المللی خاورمیانه. مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳، صص ۹۴-۴۵
۱۱. میان‌آبادی، حجت، و امینی، اعظم (۱۳۹۸) درهم‌تنیدگی آب، سیاست و محیط‌زیست در حوضه آبریز دجله و فرات. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۵(۵۴)، صص ۵۴-۸۶
۱۲. میرزائی ندوشن، فهیمه، و بزرگ حداد، امید (۱۴۰۰) بررسی اثر بسته سودها بر تعامل بین کشورهای حوضه رودخانه فرامرزی: کاربرد نظریه بازی تکاملی، تحقیقات آب و خاک ایران، ۵۲(۹)، صص ۲۴۴۱-۲۴۴۵
۱۳. نادری، مرتضی؛ سادات میدانی، سید حسین. (۱۳۹۹). حقوق آبخوان‌های فرامرزی در پرتو طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۰(۳)، صص ۱۰۷۳-۱۰۹۴
۱۴. نوری، مهسا و عمادی، علیرضا و فضل‌اولی، رامین (۱۳۹۸). تدوین مدل تلفیقی تخصیص بهینه آب با رویکرد بازی‌های همکارانه. [۳۳ (۵)، صص ۷۰۸-۶۹۵

۲. انگلیسی

A) Books

1. Daoudy, M. (2010). Getting Beyond the Environment–Conflict Trap: Benefit Sharing in International River Basins. in Earle, Anton & Jägerskog, Anders & Öjendal, Joakim (eds.) *Transboundary Water Management: Principles and Practice*, London, Routledge.
2. Klager, R. (2011). *Fair and Equitable Treatment in International Investment Law*. Cambridge, Cambridge University Press.
3. Laurie, G., Dove, E., Ganguli-Mitra, A., Mcmillan, C., Postan, E., Sethi, N., Sorbie, A. (2021). *The Cambridge Handbook of Health Research Regulation*. Cambridge, Cambridge University Press.
4. McCaffrey, C. Stephen. (2019). *The Law of International Watercourses*. Oxford University Press, Oxford.
5. McIntyre, O. (2010). International Water Law: Concepts, Evolution and Development. in Earle, Anton & Jägerskog, Anders & Öjendal, Joakim (eds.) *Transboundary Water Management: Principles and Practice*, London, Routledge.

6. Melesse, A., Abteu, Wossenu & Moges S. (2021). *Nile and Grand Ethiopian Renaissance Dam: Past, Present and Future*. Springer International Publishing.
7. Salman, M.A. Salman & Uprety, K. (2003). *Conflict and Cooperation on South Asia's International Rivers*. Washington, World Bank.
8. Stilz, A. (2019). Resource Sovereignty and International Responsibilities. in Stilz Anna (ed.) *Territorial Sovereignty: A Philosophical Exploration*, Oxford, Oxford Political Theory.
9. Weston, B., & Bollier, D. (2013). *Green Governance*. Cambridge, Cambridge University Press.
10. Wouters, P. & Moynihan, R. (2013). Benefit sharing in the UN Watercourses Convention and under International Water Law. in Rocha Loures, Flavia, Rieu-Clarke, Alistair (eds.). *The UN Watercourses Convention in Force, Strengthening International Law for Transboundary Water Management*, London, Routledge.

B) Articles

11. Alam, U., Dione, O., & Jeffrey, P. (2009). The benefit-sharing principle: Implementing sovereignty bargains on water. *Political Geography*, 28 (2), 90-100.
12. Avarideh, F., Attari, J., & Moridi, A. (2017). Modelling Equitable and Reasonable Water Sharing in Transboundary Rivers: the Case of Sirwan-Diyala River. *Water Resour Manage*, 31, 1191-1207.
13. Barberis, J. (1991). The Development of International Law of Transboundary Groundwater. *Natural Resources Journal*, 31, 167-186.
14. Dauda, B. & Dierickx, K. (2013). Benefit sharing: an exploration on the contextual discourse of a changing concept. *BMC medical ethics*, 14, 1-8.
15. De Jonge, Bege (2011). "What is Fair and Equitable Benefit-sharing?", *Journal of Agricultural and Environmental Ethics*, 24, pp. 127-146.
16. De Jonge, Bege and Korthals, M. (2007). Vicissitudes of benefit sharing of crop genetic resources. *Developing world bioethics*, 6 (3), 144-157.
17. Devlaeminck, D. (2018). Revisiting the Substantive Rules of the Law of International Watercourses: An Analysis Through the Lens of Reciprocity and the Interests of China. *Water Policy*, 20. 323-335.
18. Distefano, G. (2010). Theories on Territorial Sovereignty: A Reappraisal. *Journal of Sharia and Law*, 41, 25-47.
19. Dombrowsky, I. (2009). Revisiting the potential for benefit sharing in the management of trans-boundary rivers. *Water Policy*, 11 (2), 125-140.
20. Eckstein, G. (1995). Application of International Water Law to Transboundary Groundwater Resources. *Suffolk Transnational Law Review*, 69 (67), 67-116.
21. Eckstein, G. (2020). The status of the UN Watercourses Convention: does it still hold water?. *International Journal of Water Resources Development*, 36:2-3, 429-461.
22. Gourbesville, P. (2008). "Challenges for integrated water resources management. *Physics and Chemistry of the Earth*, 33, 284-289
23. Grey, D., & Sadoff, C. (2002). Beyond the River: The Benefits of Cooperation on International Rivers", *Water Policy*, 4. 389-403.
24. Grzybowski, A., McCaffrey C. Stephen. & Paisley K. R. (2010). Beyond International Water Law: Successfully Negotiating Mutual Gains Agreements for International

- Watercourses. *McGeorge Global Business & Development Law Journal*, 22, 139-154.
25. Lazerwitz, J. D. (1993). The Flow of International Water Law: The International Law Commission's Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses. *Indiana Journal of Global Legal Studies*, 1 (1), 247-269.
 26. Leb, C. (2015). One step at a time: international law and the duty to cooperate in the management of shared water resources. *Water International*, 40 (1), 21-32.
 27. Lee, S. (2015). Benefit sharing in the Mekong River basin. *Water International*, 40 (1), 139-152.
 28. Lodge, W. Micheal (2012). "The Common Heritage of Mankind. The *International Journal of Marine and Coastal Law*, 27 (4). pp. 733-742.
 29. Madani, K. (2010). Game theory and water resources. *Journal of Hydrology*, 381, 225-238.
 30. McIntyre, O. (2013). Utilisation of Shared International Freshwater Resources – The Meaning and Role of Equity in International Water Law. *Water International*, 38, 112.
 31. McIntyre, O. (2015). Benefit-sharing and upstream/downstream cooperation for ecological protection of transboundary waters: opportunities for China as an upstream state. *Water International*, 40 (1), 48-70.
 32. Medaglia, J. C., & Perron-Welch, F. (2019). The benefit-sharing principle in international law. *Journal of Intellectual Property Law & Practice*, 14, 62-76
 33. Middleton, C., & Devlaeminck, D. (2021). Reciprocity in practice: the hydropolitics of equitable and reasonable utilization in the Lancang-Mekong basin. *International Environmental Agreements*, 21, 235–253.
 34. Morgera, E. (2016). The Need for an International Legal Concept of Fair and Equitable Benefit Sharing. *The European Journal of International Law*, 27 (2), 354-388.
 35. Morgera, E. (2017). Fair and Equitable Benefit-Sharing: History, Normative Content and Status in International Law. 'Benefit-sharing' in E Orlando and L Krämer (eds.). *Encyclopedia of Environmental Law: Principles of Environmental Law*.
 36. Onencan, A., & Walle, B. (2018). Equitable and Reasonable Utilization: Reconstructing the Nile Basin Water Allocation Dialogue. *Water*, 10 (6), 707-739.
 37. Paisley, R. (2002). Adversaries into Partners: International Water Law and the Equitable Sharing of Downstream Benefits. *Melbourne Journal of International Law*, 3 (2), 280-300
 38. Qaddumi, H. (2008). Practical approaches to transboundary water benefit sharing. ODI Working Paper. Available at: <https://www.odi.org/resources/docs/2576.pdf>.
 39. Rahaman, M. M. (2009). Principles of Transboundary Water Resources Management and Ganges Treaties: An Analysis. *International Journal of Water Resources Development*, 25 (1), 159-173.
 40. Sadoff, W. Claudia & Grey, D. (2005). Cooperation on International Rivers. *Water International*, (30), 420-427.
 41. Salman M.A. S. (2021). Equitable and Reasonable Utilization and the Obligation Against Causing Significant Harm – Are they Reconcilable?. *AJIL Unbound*, 115, 183-188.
 42. Salman, M. A. S. (2007). The Helsinki Rules, the UN Watercourses Convention and the Berlin Rules: Perspectives on International Water Law. *International Journal of Water Resources Development*, 23, (4), 625–640.
 43. Schroeder, D. (2007). Benefit sharing: it's time for a definition. *Journal of Medical*

- Ethics*, 33 (4), 205-209.
44. Soliev, I., & Theesfeld, I. (2020). Benefit Sharing for Solving Transboundary Commons Dilemma in Central Asia. *International Journal of the Commons*, 14(1), 61–77.
45. Soliev, I., Wegerich, Kai & Kazbekov, J. (2015). The Costs of Benefit Sharing: Historical and Institutional Analysis of Shared Water Development in the Ferghana Valley, the Syr Darya Basin. *Water*, 7. 2728-2752.
46. Soumya, R., & Neha, T. (2021). Equitable and Reasonable Utilization of Water Resources: A Critical Analysis in Context of Indo-Bangladesh Ganges Water Sharing. *BiLD Law Journal*, 5(2), 103–118.
47. Tanzi, M. A. (2021). The inter-relationship between no harm, equitable and reasonable utilisation and cooperation under international water law. *International Environment Agreement*, 20, pp. 619-629.
48. Tarlock, A. D. & Wouters, P. (2007). Are Shared Benefits of International Waters an Equitable Apportionment?. *Colorado Journal of International Environmental Law and Policy*, 18 (3), 523-536.
49. Tsyachnyouk, S. Maria & Petrov, N. A. (2018). Benefit sharing in the Arctic energy sector: Perspectives on corporate policies and practices in Northern Russia and Alaska. *Energy Research & Social Science*, 39, 29-34.

C) Documents and Cases

50. Case Relating to the Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder, 1929, P.C.I.J. (ser. A). No. 23.
51. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area, 2015, Judgment, I.C.J. Reports.
52. Corfu Channel, 1949, Judgment, I.C.J. Reports
53. Dispute regarding Navigational and Related Rights, 2009, Judgment, I.C.J. Reports.
54. Dispute regarding Navigational and Related Rights, 2009, Judgment, I.C.J. Reports.
55. Factory of Charzow case (1928), PCIJ Reports.
56. Gabčíkovo-Nagymaros Project Case, 1997, Judgment, I.C.J. Reports.
57. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1966, Advisory Opinions, I.C.J. Reports.
58. Pulp Mills on the River Uruguay, 2010, Judgment, I.C.J. Reports,